

آینة

ایران

سرمقاله: «سیاست خاص» در برابر وزارت علوم

حسن وزینی

در پی سومین رای منفی مجلس به وزیر دولت برای وزارت علوم، این سول پیش می‌آید که آیا این رخداد پرتکرار بین پاستور و بهارستان قابل پیشگیری نیست؟ در طول کمتر از ۱۵ ماه، دو وزیر پیشنهادهی دولت رای نمی‌آورند، یک وزیر در کمتر از ۹ ماه بر کنار می‌شود و علاوه بر اینها براساس پینام‌ها و پسنام‌ها و سینهام‌ها دولت را معرفی حداقل دو گزینۀ مدنظر دیگر خود انصراف داده است. بنابراین تاکنون پنج گزینۀ دولت از مجلس پاسخ «نه» شنیده و پنهانای فراهم شده تا رسانه‌های منتقد و مخالف دولت اعتدال از آن به «نه» قاطع مجلس بـه «تیم خاص» تعبیر کنند. دولت را متهم می‌کنند که چرا لایّی گری نمی‌کند؟ آیا دولت باید دست به لایّی‌گری‌های خراج از عرف و قانون می‌زد؟ وزیر پیشنهادهی به مجلس، به کمیسیون‌ها و فراکسیون‌ها فراخوانده شد و او حضور نیافت؛ سوالاتی پرسیده شد و پاسخ نداد؟ به نظر می‌رسد شیوۀ التزام به قانون و رعایت شأن نمایندگان نباید مورد شمات قرار گیرد بلکه سزاوار است این شیئی تحسین شود. پاپان چالش با مجلس بر سر وزارت علوم مشروط بر این است که دولت از وعده‌های خود عقب نپشیند. در این صورت دولت باید پرونده بورسیه‌های غیرقانونی را مختومه کند و اجرای شمارهای خود را نیز به زمان دیگری واگذارد. اما منطقی و شایسته این است که نمایندگان محترم ملاحظات وافق فکری و کلان دولت را که متناسب با برنامه‌های فرادستی و چشم‌انداز ۲۰ساله کشور است، قربانی منافع و مصالح کوتاه مدت نکنند.

تجرب

یادداشت: «در همچنان روی یک پاشنه می‌چرخد»

محمدحاج‌قوچ شناس

معرفی نیلی در مجموع نشان از آن داشت که این معرفی ریشه در حسن‌نیت حسن روحانی و نگاه‌همکاری جویانه‌ی وی با مجلس از یک‌سو و توجه به قول‌ها و وعده‌هایی که به مردم داده بود از سوی دیگر به‌صورت توأمان دارد؛ نگاهی که باید توسط مجلسیان محترم به‌خوبی درک می‌شد که کشوری که مسایل مهمی چون مذاکرات حساسی با گروه ۵+۱ را در پیش دارد و همچنین گریبانگیر مشکلات بزرگ به‌جای مانده از دولت قبل است و از سوی دیگر با کاهش ۳۰درصدی قیمت نفت در این ماه‌ها روبه‌رو است، بتواند به مشکلات اساسی کشور بپردازد؛ اما گویا نگاه مجلسیان با نگاه رئیس‌جمهور منتخب مردم در یک نقطه در حوزه وزارت علوم به تاقی نمی‌رسد و گویی در همچنان بر روی یک پاشنه‌ی می‌چرخد.

کیتان

یادداشت: «رای مردم»؟ حسین شریعتمداری

آقای دکتر روحانی به‌طور تلویحی – که به تصریح نزدیک است- رای عدم‌اعتماد به وزیر پیشنهادی ایشان را ناشی از «لجبازی» نمایندگان ندانسته‌اند که در این‌باره فقط باید پرسید؛ اصرار بر معرفی افرادی با همان خصوصیت وزیر قبلی که از سوی همین مجلس استیضاح و بر کنار شده بود و تأکید چندبار به بر صلاحیت وی، لجبازی است یا اصرار نمایندگان مردم بر معرفی گزینۀی همخوان با نیاز وزارت علوم و… و اما بعید نیست منظور رئیس‌جمهور محترم از دخالت لجبازی در رای عدم‌اعتماد دیروز مجلس، اشاره بر بخشی از نمایندگان به لجبازی دولت در معرفی نامزدی مشابه وزیر استیضاح شده قبلی باشد که در این صورت می‌تواند کلاه‌های از سوی ایشان تلقی شود و نه متهم کردن نمایندگان به لجبازی.



یادداشت: «مجلسی که از اصول عدول نمی‌کند»؛ محمداسماعیلی

اعتمادنکردن منتخبان مجلس به وزیر پیشنهادی، در روز گذشته مجلس به‌خوبی نشان می‌دهد که مجلس اصولگرا مهم‌ترین هدف خود را طی – نزدیک به – سه‌سال گذشته «حرکت در مسیر انقلاب» بـدون در نظر گرفتن اهداف حزبی و جناحی- «قرار داده». باید منتظر ماند و مشاهده کرد که تلاش برای «افزایش سطح تنازعات میان دو قوه» مهم‌ترین هدف برای کسب کرسی‌های مجلس آینده قرار بگیرد و اقدامات نمایندگان با تبلیغات دولتی - رسانه‌ای مخالف مطالبات اجتماعی و منافع ملی نشان داده شود.. باید به انتظار نشست و دید که تعامل دولت و مجلس آیا تحت مدیریت جریانی خاص که یکسـر آن در دل روزنامه‌های رنجبرای است و سر دیگر آن در جریان نفوذی در دولت، به بیره کشیده می‌شود یا خیر؟

وقت امروز

یادداشت: «اپوزیسیون همنوع خواران»؛ هومن صادقی

اسیدپاشی ملّاور فتنه بود و دولتمردان ما همچون دوره اصلاحات خواب خرگوشی بازی با اپوزیسیون را به مرور پرونده‌های تاریخی نحوه آغاز فتنه‌های قدیمی ترجیح دادند. کیست که نداند رابطه را به‌معروف و اسیدپاشی به اندازهای است که «مذاکره» و «اتسوعای حسینی» مرتبط هستند. این نقشه بحران‌زایی برای اپوزیسیون هم اگر باشد انتهاپشی به «عاجیانپ سرخپوش» خواندن آنها ختم می‌شود که هرگز نفهمینند چطور «سعید امامی» قاتل رنجبرهای شد و موساد و سیا کجا از معرکه گریختند. آیا این‌بار در صورت وقوع فتنه‌ای جدید «عاجیان» به حمایت از دولت برمی‌خیزد یا همچون فتنه ۸۸ ملاحظه بادهای توفان‌زای ایران‌دیده از افق اقیانوس آرام را خواهد کرد؟ سوال ما از مدیران جبهه به اصلاح اعتدالیون این است؛ روی کدام بخش از محاسبات روز به روز و متغیر عالم دیپلماسی حساب باز کردماید که با فتنه‌سازان بر سر یک میز می‌نشینید و نمایش دوستی گِرد و میش را مقابل عتلاز روی برده می‌رید؟

شرق: «دمشق»؟ «بغداد»؟ «بیروت»
حالا دیگر همه می‌دانند راه رسیدن به‌این سه‌پایتخت خاورمیانه‌ای از یک‌شهر می‌گذرد: «تهران»؛ دیگر این روزها نام «ایران» به‌دلیل اظهارات جنرال‌رانگیز رئیس دولتش بر سر زبان‌ها نیست، بلکه به‌دلیل دیپلماسی فعالی که در منطقه پیش گرفته، بر سرزبان مقامات و رسانه‌های غربی است. جایگاه ایران در منطقه به جایی رسیده که حتی مقامات غربی اعتراف می‌کنند که حل‌وفصل مسایل، بدون حضور ایران ممکن نیست. در بحران سوریه، اراده «تهران» مانند حکومت «بشار اسد» در «مشق» بود و الان بعد از سه‌سال درگیری در دمشق، «بشار» همچنان در سوریه حاکم است. اما در عراق «اراده‌ای» از سوی ایران برای ماندن کسی وجود نداشت، چراکه به گفته مقامات ایرانی، «ثبات» در «بغداد» از هر شخص و جریانی برای «تهران» مهم‌تر است. بحران «عراق» دو جهت داشت: «سیاسی» و «نظامی»، از اواخر بهار سال جاری، بحران «داش» و بحران «انتخاب دولت» عراق را فراگرفت. دو بحرانی که بنا به گفته مقامات سیاسی و نظامی ایران، ایران در حل‌وفصل آنها، کمک‌رسان عراقی‌ها بوده و هست. خردادماه سال جاری بود که هوایلی بنام «داش» خود را نمایان کرد. پس از آن بود که همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دست‌پاچه به دنبال یک‌راحل بودند هر کشور، دیگران را برای نقش‌آفرینی در حل بحران دعوت می‌کرد، اما ایران بدون دعوت کشورهای دیگر و با دعوتم میزبان بحران، نقش خود را ایفا کرد و می‌کند. این‌روزها دیگر سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، چهره‌ای نیست که دیده نشده باشد یا در یک‌جا مستقر باشد؛ «سردار» بین ایران و عراق در رفت‌وآمد است تا اجازه نفوذ بیشتر به تروریست‌ها را ندهد. کما اینکه تمام مقامات ایرانی و عراقی اذعان دارند که اگر کمک‌های تهران نبود، «اربل» و «بغداد» سقوط کرده بودند. شاید بتوان گفت اصلی‌ترین کمک ایران، چهره خوشنودی باشد که این روزها در کنار فرماندهان پیشمرگه‌های «کرد» و ارتش عراق در عسک‌ها دیده می‌شود؛ سردار اسلیمانی.

اما در بخش سیاسی، از چندین‌ماه پس از انتخابات پارلمان، بغداد روی آرامش سیاسی را ندید. در این بین ایران

دو هفته گذشته

حیدر عبادی نخستین سفر دوجانبه‌اش را به ایران انجام داد تا برای خیلی‌ها این پیام شفاف را داشته باشد: «ایران متحد اصلی عراق است.» این سنت از سوی مقامات ایرانی هم پی گرفته شده بود. **محمدحاج قزوینی**، وزیر خارجه ایران نیز نخستین سفر خارجی‌اش را به «بغداد» انجام داده بود تا او هم پیامی مشابه از سوی دولت یازدهم به کشورهای منطقه‌ای مغایره کرده باشد. سفر «عبادی» در خلال بحران «داش» و پس از پایان یافتن بحران سیاسی عراق را می‌توان از یکسو تشکر از ایران بابت نقش آفرینی مثبتش در عراق دانست و از سوی دیگر رازینی برای برخورد با پدیده شوم «داش» ارزیابی کرد. همچنین در کنار این سفر، وزیر دفاع لبنان نیز برای مذاکره در خصوص هدایای نظامی تهران به بیروت، میهمان مقامات ایرانی بود. به غیر از این دو سفر، نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه و «مضان عبدالله»، رهبر جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز به ایران آمدند تا کشورهای منطقه پیش‌ازپیش متوجه نقش پررنگ ایران و فعال بودن دیپلماسی منطقه‌ای ایران شوند، نقشی که از سال ۹۲ تا ۸۴ متغّل و سرخورده شده بود. هدف و دستاوردهای سفر مقامات عراقی و لبنانی را از **محمد ایرانی**، سفیر سابق ایران در «اردن» و «لبنان» پرسیدیم که در ادامه آمده است:

سفرهای اخیر مقامات منطقه‌ای از جمله حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق و اسیمر مقلب، وزیر دفاع لبنان به تهران، از چه مساله‌ای حکایت دارد؟
— این سفرها را می‌توان به‌دلیل جایگاه منطقه‌ای و ژئواستراتژیک ایران به‌دلیل اشراف سیاسی دانست. همچنین حضور و نفوذ ایران برای همه دولت‌های منطقه‌ای مورد پذیرش قرار گرفته است؛ البته در یکباره زمانی به‌دلیل سیاست‌های تهاجمی و نادرست خدشدار شده بود که هم مردم و هم نظام از آن ضرر کردند. اما حالا باوریکرد علاقه‌مندتری که دولت جدید پی گرفته این جایگاه در حال بازگشت است.

حیدر العبادی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل دیداری مفصل با باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا داشت و حالا به ایران آمده. با توجه به ترتیب دیدارها می‌توان گفت که در مورد حضور ایران در ائتلاف ضد داغش باشد؟

بحران عراق تنها بحران این کشور نیست بلکه یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی است. به‌هرحال نقش‌آفرینی برخی برخی بازیگران در بحران جاری عراق، باعث شده تا جامعه بین‌الملل متضرر شود. سفرهایی که در این مقطع انجام می‌شود، مسلماً تنها مختص مسایل دوجانبه نیست بلکه بخش مهمی از آن به ابعاد این بحران اختصاص

سیاست



متحدان خاورمیانه‌ای تهران

محمدحسن نجمی

بر یک مساله تأکید داشت: «اجرای قانون اساسی عراق» در ابتدا «نوری مالکی»، نخست‌وزیر پیشین عراق برای واگذاری پست، کمی مقاومت کرد اما پس از پیام تبریک مقامات ایرانی به «حیدر عبادی»، نخست‌وزیر جدید عراق، به ترک نخست‌وزیری رضایت داد. هرچند «عبادی» و «مالکی» هر دوشیعه و هردو از یک‌حزب‌سیاسی هستند، اما ایران در صحنه سیاسی عراق نشان داد که از فرد حمایت نمی‌کند و این حمایت در چارچوب دولت و حکومت بغداد است. شاید ایران پیش از این‌هم از دولت «مالکی» حمایت می‌کرده، اما پس از بحران دوگانه اخیر در عراق، این حمایت‌ها علنی شد تا جایی که «حسین امیرعبداللهیان»، معاون عربی – آفریقایی وزارت‌خارجۀ ایران، پی‌بروا از نقش تهران در بغداد سخن گفت؛ چندی پیش او در مصاحبه با «العالم»، از دو اقدام ایران در بحران اخیر عراق گفته بود: «پس از سقوط موصل

محمد ایرانی، سفیر سابق تهران در اردن و لبنان:

نقش ایران در عراق عمیق‌تر از مستشاری نظامی است

دارد. مهم‌تر از این مسایل، تأثیر، نقش آفرینی، نفوذ و تعیین‌کننده بودن ایران در منطقه است. ایران در این بحران بخشی از راه‌حل است. پیام اولین سفر «عبادی» به ایران، «قابل اعتماد بودن» تهران است. دومین پیام این سفر نیز، «پس از تأکید بر مشترک ایران و عراق، «تهران می‌تواند در خدمت امنیت بغداد» باشد. سومین پیام هم این است که «ایران بخشی از راه‌حل بحران» است.

سبببازی از کشورها با توجه به نفوذ ایران در عراق، تهران را به حمایت از بخش شیعی دولت بغداد متهم می‌کنند

قابلیت تأثیرگذاری و

واقعیت حضور ایران را همه کشورها پذیرفته‌اند و بر کسی پوشیده نیست. بحران سیاسی عراق که چند ماه پیش بروز کرد، با تلاش‌های ایران و تأکید بر این اصول که باید عراق‌ها تعیین‌کننده دولت باشند و پایبندی به قانون اساسی عراق، پایان یافت. پس از انتخاب «عبادی» کشورهای عربی منطقه نیز از آن استقبال کردند. تلاش‌های ایران بابت خروج عراق از بحران بود ولی برخی رسانه‌های منطقه‌ای سعی دارند آن را مساله‌ای طایفای و قومی نشان دهند و علیه این تلاش‌ها دست به تبلیغات بزنند. اما به دلایل تاریخی و مرزهای مشترک، ایران به این نقش آفرینی‌ها می‌پردازد

تبلیغات بزنند. اما به دلایل تاریخی و مرزهای مشترک، ایران به این نقش آفرینی‌ها می‌پردازد.

در خصوص حضور این روزهای ایران در عراق، برخی رسانه‌ها و حتی رسانه‌های داخلی عکس‌هایی از حضور سردار «سلیمانی» در میدانی نبرد عراق منتشر می‌کنند. انتشار این عکس‌ها به حضور ایران کمک مثبتی خواهد کرد یا خیر؟

بغظر من روش درستی نیست و نتیجه آن مطلوب نخواهد بود. حالا ممکن است با انتشار این عکس‌ها منافع مقطعی ایران تأمین شود ولی منافع بلندمدت جمهوری اسلامی را تأمین نخواهد کرد چرا که حضور ایران در عراق صرفاً مستشاری نظامی نیست بلکه ایران در ابعاد «سیاسی»، «اقتصادی»، «فرهنگی» و «معتوی» حضور دارد که بسیار عمیق‌تر از بعد مستشاری نظامی آن است.

و تحرکی که نیروهای تروریستی و تکفیری به نام داعش در عراق شروع کردند، جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌سرعت برای مشورت به دوست‌های عراقی، وارد شد و ما تلاش کردیم که مشورت‌های لازم را در مبارزه با تروریسم به حکومت عراق و نیروهای مسلح و مردمی این کشور بدهیم که در پی فتاوی جهادمرجعت دینی حضرت‌آیت‌الله سیستانی در داخل عراق بسج شده بودند.» او در مورد نقش ایران در حوزه سیاسی نیز گفت: «در حوزه سیاسی برای تکمیل روند سیاسی در عراق، از این‌هم از دولت «مالکی» حمایت می‌کرده، اما شخصیت‌ها، مرجعت و گروه‌های مختلف اعجاز سنی، کرد و شیعه در عراق بهره‌گرفته‌اند و به‌صراحت می‌توانم بگویم جمهوری‌اسلامی‌ایران نقش فعال و سازنده‌ای در تکمیل روند سیاسی و تعیین نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس عراق ایفا کرد.» شفاف سخن گفتن این‌س روزهای مقامات

ایرانی از نقش آفرینی تهران در بغداد، نشان از یک مساله دارد؛ «پذیرش نقش ایران در عراق از سوی جامعه جهانی» در دیگر سو لبنان قرار دارد، «عروس خاورمیانه» که می‌توان آن را «عروس هزار داماد» نامید؛ یک «کشور» چند «طایفه» و قومیت» و چندین «جریان سیاسی». کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره دنبال نقش آفرینی در لبنان هستند که «ایران» هم یکی از آنهاست. ایران را می‌توان به‌عنوان متحد سنتی سرزمین لبنان دانست. متحدی که دیگر برای جهان ثابت شده و پذیرفته شده است؛ تا جایی که «بان‌کی مون»، دبیر کل سازمان ملل، چندی‌پیش خواستار مساعدت ایران برای حفظ ثبات و تسریع در انتخاب رئیس‌جمهور لبنان شده بود. پس از تشکیل «حزب‌الله لبنان» که به نوعی فرزند انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود، پیوندهای ایران و لبنان بیش‌ازپیش در هم تنیده شده. بسیاری، دشمنی عمیق «ایران» و «اسرائیل» را عامل توجه زیاد «تهران» به «بیروت» به خصوص «حزب‌الله لبنان» می‌دانند؛ نظری که چندان هم بر بیراه نیست. حالا ایران از ارسال هدیه نظامی خبر داده اما برخلاف تصور جاری، این هدیه برای «حزب‌الله» نیست، بلکه به «ارتش» این کشور تعلق دارد. آن‌هم پس از اینکه وعده‌های کمک سعودی‌ها به ارتش لبنان محقق نشد. نقش آفرینی ارتش در امنیت لبنان، تهران را واداشت تا کمکی هم به ارتش کند. ایران بابت حمایت از لبنان و در راس آن «حزب‌الله» هزینه‌های مادی و معنوی زیادی پرداخته «تهران» با همکاری «حزب‌الله» لبنان و حکومت «سوریه» محور مقاومت را در برابر اسرائیل تشکیل داده است تا از منطقه دفاع کرده باشد. به‌عظر می‌رسد فشارها بر این محور نیز به همین دلیل است؛ فشاری که چندان نتوانسته این محور را مخدوش کند. چندی‌پیش «حسین شیخ‌الاسلام» مشاور امور بین‌الملل رئیس‌مجلس ایران، در خصوص همکاری‌های سه‌عضو این محور به تشریه «رم‌عبور» گفته بود: «سپاه قدس با اسد مستقیم کار کرده بود و شناخت داشت. زمانی که ما نمی‌توانستیم به‌موقع موشک به حزب‌الله برسایم، اسد از انبار خود موشک می‌داد.» از این جملات می‌توان صمیمیت اعضای این محور را به‌خوبی حدس زد.

نقش ایران در عراق عمیق‌تر از مستشاری نظامی است

این ارتش لبنان بود که وارد معرکه می‌شد و با همکاری حزب‌الله قضیه را جمع می‌کرد.

اقدامات ایران علیه تروریست‌های داعش می‌تواند تأثیری در بنتیجهرسیدن مذاکرات هسته‌ای داشته باشد؟

اگرچه رسماً در خصوص کنارهم‌قرار گرفتن این‌دو مساله سخنی گفته نشده، اما از لحاظ روانی، می‌تواند روی یکدیگر تأثیر داشته باشد. نقش ایران در بازگشت امنیت به منطقه غیرقابل چشم پوشی است. غرب هم به‌دنبال همین مساله است. ایران و غرب در این خصوص به‌نوعی با یکدیگر همپوشانی دارند و بازگشت امنیت به منطقه می‌تواند فضای روانی خوبی را در مذاکرات ایجاد کند.

اما در این بین برخی کشورهای منطقه‌ای مانند عربستان هیچ تمایلی به انجام توافق در مذاکرات هسته‌ای ندارند. آیا می‌توان گفت که در صورت انجام توافقی بین ایران و غرب، عربستان قصد انتقام‌گیری از طریق کارشکنی در موازبه با ناامنی‌های منطقه را داشته باشد؟

سعودی‌ها مایل به نقش آفرینی قدرتمندانه ایران در منطقه نیستند. اما اگر توافقی انجام شود، همه کشورها در بازود، واقعیت را می‌پذیرند. از سوی دیگر موج همکاری‌ها با ایران شروع می‌شود. این تصور برای آنها ایجاد نگرانی می‌کند. اما مقاومتشان را برابر پذیرش واقعیت زیاد طولانی نخواهد بود. مگر آنها چقدر برای مخالفت توان دارند؟

اما در حال حاضر سعودی‌ها در اولین اقدام، در بازار نفت تلاطم ایجاد کرده و قیمت آن را پایین کشیده‌اند

اولین ضررکننده این اقدام آمریکایی‌ها هستند. سعودی‌ها توانایی هماهنگ‌کردن کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای بزرگ را با خودشان ندارند. ادامه این کار از سوی آنها محدود است. سعودی‌ها این اقدام را به‌صورت یکجانبه انجام داده‌اند.

یعنی بر خلاف برخی نظرات، آمریکا در این اقدام سعودی‌ها نقشی نداشته‌است؟

این تصور که برخی کشورهای سیاست‌های خود را نعل‌به‌نعل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا هماهنگ می‌کنند، به‌عظر من صحیح نیست. آنها هم اقداماتی برای منافع خود به‌صورت یکجانبه و بدون هماهنگی با کشورهای بزرگ انجام می‌دهند که مورد حمایت قدرت‌ها نیست. نمونه این اقدام هم حمایت عربستان از گروه‌های دست‌نروست که مورد انتقاد برخی قدرت‌ها هم قرار گرفته است. بنابراین این همیشه، سیاست‌های خود را با منافع کلان دولت‌های بزرگ هماهنگ نمی‌کنند.

امیدوارند که توافق انجام شود. «وندی شرم» رئیس گروه مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا با ایران هفته گذشته در یک سخنرانی خواستار پایان کار شد. در حالی که برخی مقامات ایالات‌متحده می‌گویند اوباما ممکن است برای آرسیدن به توافق آ تلاش کند؛ نگه‌رو در وزن. «نیویورک تایمز» اخیراً گزارش کرد که کنگره، اجازه دوزرذن را به رئیس‌جمهوری نمی‌دهد. رامین ربیعی، از سرمایه‌گذاران ایرانی شرکت فیروزه و همکاران می‌گوید: «ایران آخرین بازار بکر و دست‌نخورده بزرگ جهان است.» حداقل تا ۲۴ نوامبر چشم‌انداز هیجان‌انگیزی مقابل ماست، تنها پرسشی که باقی می‌ماند این است که آیا می‌توان بر تمامی مشکلات و موانع غلبه کرد یا نه؟

ادامه از صفحه ۵

ایران هفتمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان

یعنی با وجود توجه به مقوله اقتصاد سبز و کاهش گازهای گلخانه‌ای که در سطح بین‌المللی مطرح بوده است ما شاهد انتشار گازهای گلخانه‌ای بوده‌ایم. در سال ۲۰۱۰ چین با انتشار ۲/۸ آمریکا با انتشار ۵/۵ و هند با انتشار دوامیلیاردتن متریک و به ترتیب سهم ۲/۴، ۱/۲ و شش‌درصد در رتبه‌های اول تا سوم انتشار قرار داشته‌اند. در سال مزبور ایران با انتشار ۵۷۱میلیون تن متریک با سهم ۱/۷درصد در رتبه هفتم قرار داشته؛ یعنی سلامت حیات کشور تهدید شده است. اگر سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن (کل دی‌اکسیدمنتشرشده در یک کشور نتیجه فعالیت‌های انسانی (تولید و مصرف) بر جمعیت همان کشور) را نیز نگاهی بیندازیم از رقم ۴/۲ تن متریک در سال ۱۹۹۰ به ۴/۹متریک تن در سال ۲۰۱۰ رسیده که در حدود ۰/۸درصد رشد نشان می‌دهد؛ یعنی حتی با درنظرگرفتن جمعیت باز هم رشد گاز دی‌اکسیدکربن را شاهد بوده‌ایم. به دلیل افزایش مصرف حامل‌های انرژی در خلال سال‌های اخیر، کل و انتشار گاز دی‌اکسیدکربن در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه افزایش قابل توجهی یافته است و میزان آن از ۳/۷ در سال ۱۹۹۰ با نرخ رشد سالانه ۴/۳درصد به ۷/۷ تن متریک در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن ایران در مقایسه با میانگین جهانی در حدود ۵۷درصدبیشتر است که نشان از وضعیت بحرانی در کشور است. همچنین معیار شدت انرژی (مصرف کل انرژی اولیه در هر دلار از تولید ناخالص داخلی براساس برای قدرت خرید به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵) نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۰ شدت مصرف انرژی در ایران ۰/۲۸کیلو معادل نفت‌شام به‌ازای هر دلار تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۲۰۰۵ است، در حالی که متوسط این رقم در جهان ۰/۱۹ و در کشورهای پیشرفته مانند ژاپن معادل ۰/۱۳ است به عبارت دیگر در ایران برای هر دلار تولید ناخالص داخلی در حدود ۰/۲۸کیلو انرژی معادل نفت مصرف می‌شود؛ یعنی تولید با بهرهوری کم انرژی و انتشار دی‌اکسیدکربن بیشتر. تامل در فاصله ایران با دیگر کشورها در معیارهای برشمرده مهر تاییدی است بر اینکه اقتصاد سبز با تمامی گستردگی و جامعیت آن نهنفاه مهم، بلکه ضرورت حیاتی کشور ایران است.

ادامه از صفحه اول

کاش بیشتر «دعایی» داشتیم!

البته این فرزند همان مادری به‌نام فاطمه متقی است که وقتی همسرش سیدمحمد دعایی که از علمای یزد بود را از دست داد و مساله ارث بین فرزندان آن مرحوم- که از دو همسر مطرح شد به فرزندش سیدمحمدمحمد گفت: تو دقت کن از اموال منقول پدرت مثل فرش و ظرف و اثاث و... هیچ چیز نگیری و از خانه پدسری‌ات هم از شش دانگ، چهاردانگ حساب کن چون پدتر با فروش اموال همسر اول خود - که دخترعموی او بود و پدرش مردی متمکن- طبقه سومی در خانه زد و خانه‌قیمتش به همین دلیل به‌شدت افتاده است. دعایی هم طبق گفته مادر عمل کرد و ارث کمتری از برادرانش مطالبه کرد. این همان مادر است که امام که در ۱۴سال نجف تنها دو بار نماز میت خواند و حتی نماز فرزند درگذشته خود مصطفی را نخواند! اما طبق وصیت وی بر پیکر او نماز خواند و خوشا به‌حال او که در زیر لادوان طلای صحن باب‌قلبه در چندمتری قبر مولایش علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام به خاک سپرده شده و من هرهار که به حرم جنب‌امیرالمومنین(ع) مشرف شدم‌به‌شدتانه قدرشناسی از زحمات دعایی در دوران مهاجرتش به عراق و کمالاتش به اسام و مبارزه به نیابت از وی بر تربت او فاتحه خوانده‌ام. از کارهای خوب آیت‌الله هاشمی در دوران مبارزه این بود که وقتی دعایی عزیز که سلاواک دربدر دنبال دستگیری او بود ناچار به مهاجرت به عراق شد، مادر او را به سخت در هجر پسرش بی‌تابی می‌کرد با لطایف‌الحیلسی به نزد او به عراق فرستاد. حدود ۲۰سال قبل همسر شهیدرجایی در مصاحبه‌ای روایتی شبیه این مساله به من گفت که این روایت را در کتاب «سیره شهیدرجایی» آورده‌ام که وقتی پس از شهادت آقای رجایی از ریاست‌جمهوری برای او حقوق واریز کردند وی آن را عیناً به حساب خزانه دولت واریز کرد و به ریاست‌جمهوری نوشت شهیدرجایی یک معلم بود و چون خودش راضی بود در مسند نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری حقوق این مسوولیت‌ها را دریافت نکند و ترجیح می‌داد همان حقوق معلمی خود را بگیرد به این پول نیازی نیست. چه خوش‌خیال بودند و بعضی! اما فکر می‌کردند این مرد رفته، شبیه به رجایی است! و چه اشتباه کردند! کسانی که درصدد مشابهت‌سازی وی و شهیدرجایی برآمدند و اکنون اگر اندک انصافی برایشان مانده باشد از اشتباه محاسبه خویش انگشت تحریر به دهان گرفته‌اند. درود خدا بر امثال دعایی‌ها و رجایی‌ها! کاش از این آدم‌ها بیشتر داشتیم.